

سبک رفتار



رای شما به تنهایی تعیین کننده است

# مصلحت را فدای

# تصمیم‌های گروهی نکنیم!

■ **مزایه بامیری**

تا زمانی که یاد نگیریم در تصمیمات گروهی به رای خود احترام بگذاریم و بدانیم هر رای به تنهایی می‌تواند در نتیجه اثر بگذارد هیچ رویدادی به درستی انجام نمی‌شود. بسیاری از بلاهایی که سر ما می‌آید نتیجه همین گروه‌زدگی هاست که اگر مخالفت کنیم بیکار می‌شویم، موجب‌مان قطع می‌شود، از چشم فلائی می‌افتیم، فردا فلائی رئیس و وزیر می‌شود و مخالفت امروز ما کار دست‌مان می‌دهد...

■ **سفر شمال و جشن تولد زهرمار مان شد**

یکی از اقوام در باغ شمالش تولد گرفته بود. قرار بود ما هم برویم. دخترم خیلی وقت بود جایی نرفته بود و اصرار داشت در این مهمانی خانوادگی شرکت کنیم. همسرم توپ را در زمین من انداخت و گفت هر چه مادرش صلاح بداند، من هم نگاهی به صورت مشتاق آنها کردم و قبول کردم.

چند ساعت بعد سه تا ماشین پشت هم در جاده به سمت شمال در حرکت بودیم. ترافیک سنگین بود و همه کلافه شده بودیم ولی حتما در مهمانی خوش می‌گذشت و تلافی این خستگی درمی‌آمد. هیچ کس غر نمی‌زد و هر کس به سهم خودش سعی داشت فضای سنگین ماشین را که ناشی از خستگی و کلافگی بود با یک حرف خوشایند تغییر دهد.

بالاخره به شمال رسیدیم. هر یک کس طرف ولو شد و از خستگی همه بیپوش شدند. شب همه در حیاط ویلا جمع شدند تا تولد بگیرند ولی ناگهان حال مادر بزرگ خراب شد و اعصاب بقیه خرد شد. عمه سرش درد می‌کرد و در حالی که یک مسکن خورده بود دور پیشانی‌اش را با یک دستمال محکم بسته بود. این تنها راه تسکین دردش بود. من هم کلافه بودم و زیر لب غر می‌زدم.

یکی از نوه‌ها به سرفه افتاد و با افت فشار راهی بیمارستان شد. آنجا بود که فهمیدیم نتیجه آزمایش کووید او مثبت است و ما تمام مدت با یک کرونایی همراه بوده‌ایم. بیش از این ماندن را جایز ندانستیم و به تهران برگشتیم. نیمی از راه در سکوت گذشت

ولی بالاخره همسرم غرولند کرد و گفت: چه سفر مزخرفی! اصلاً نیاید می‌آمدیم. دخترم گفت من هم فردا امتحان دارم. اگر می‌گفتم نمی‌آیم ممکن بود شما سفر را به خاطر من کنسل کنید و دلم نیامد و وانمود کردم مشتاق سفرم. من حاج و واج نگاه‌شان می‌کردم که موبایلم زنگ خورد. دختر خواهر شوهرم عصبی بود می‌گفت: «آخه کدوم آدم عاقلی در این اوضاع کرونا تولد می‌گیره؟ والا اگه می‌گفتم نیامیم می‌کردن پیرهن عثمان که اینا با ما مشکل دارن و آل و بل-الا گه کرونا نگیریم خیلیه. دیدی؟ بچه حالش خیلی بد بود.»

ما هر کدام برای راه دیگری و به قول خودمان احترام به تصمیم جمعی سفر آمده بودیم. بی‌آنکه مصلحت و منطقی شخصی خود را در نظر بگیریم. احساس خود را قربانی تصمیم گروهی کرده بودیم که هر کدام پیش خود فکر کرده بود مخالفت او ممکن است به تصمیم گروه برای سفر آسیب بزند. این بود که همه ما در برابر این دعوت سکوت کرده و خودمان را خوشحال نشان دادیم.

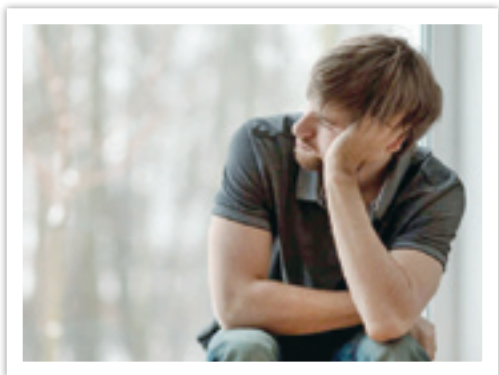
■ **انتخاب منو را در اختیار یک نفر گذاشتیم**  
با دوستانم برای یک گپ دوستانه به رستوران رفتیم. آنجا کمی از گذشته‌ها گفتیم و سپس ناهارمان را سفارش دادیم. وقتی منو را جلوی‌مان گذاشتند هر کس داشت غذای خودش را انتخاب می‌کرد که یک باره هستی گفت ناهار امروز مهمان من هستی. نگاهم



بسیاری از بلاهایی که سر ما می‌آید نتیجه گروه‌زدگی هاست که اگر مخالفت کنیم بیکار می‌شویم، موجب‌مان قطع می‌شود، از چشم فلائی می‌افتیم، فردا فلائی رئیس و وزیر می‌شود و مخالفت امروز ما کار دست‌مان می‌دهد

مشغول بودن هم حدی داره

## سر تو بالا بیار! دور و بر تو ببین!



حتی قرار داشتی و یکی منتظرت بود تا باهم گپ بزنین، یادت میره حتی یکی دوست داره!

گاهی سسرتو بالا بیار. گردنتو بچرخون، دور و برتو ببین، پیامای گوشیتو



چند نفر از ما خود را فدای مصلحت گروه می‌کنیم؟ چند نفر از ما می‌ترسیم که رد پیشنهاد گروه به ما آسیب بزند؟ ما هر روز در معرض تصمیم‌های بسیاری هستیم که بسیاری از آنها گروهی هستند. وقتی اعضای گروه با هم همفکر و نظر نیستند بنا به مصلحت تصمیمی می‌گیرند که اشتباه است و آسیب‌های جدی وارد می‌کند

■ **رومی منو خشک شد و بلافاصله پیشنهادم را عوض کردم.**

شایسته نبود او متحمل هزینه شود. دوست دیگرم هم زانش قفل شد و با لیخند به هستی گفت: حالا که مهمان تو هستیم پس انتخاب غذا یا تو. او هم به خیال خودش ما را سورپرایز می‌کرد. جلوی پیشخوان رفت و تند تند چیزهایی سفارش داد. من و دوستم با هیجان منتظر بودیم تا سلیقه‌اش را بدانیم. چند دقیقه بعد گارسون با چند دیس غذا آمد و ما منتظر برای تحویل گرفتن پیشنهادی هستی. ولی وقتی دیس‌ها را دیدیم خشک‌مان زد. او تمام غذاها را گیاهی سفارش داده بود و در سبزیجات در همه غذاها نمایان بود.

من که وارفتم و اشتباهم درجا کور شد. دوستم هم نیم‌نگاهی به من کرد و ابرو بالا انداخت. باز هم دور از ادب بود که نخوریم. به هر حال ما خودمان تصمیم گرفته بودیم طبق نظر هستی غذا انتخاب کنیم. حالا اگر او گیاهخوار است پس باید به او احترام بگذاریم. کمی با غذا بازی کردیم و به زور چند لقمه‌ای خوردیم ولی هر کدام بهانه‌ای آوردیم و ادامه غذا را نخوردیم. دست آخر یک فاکتور بلند بالا برای هستی گذاشتیم بی‌آنکه هیچ کدام یا لذت یا کامل غذایی خورده باشیم. هستی از رفتار ما ناراحت شد و گفت شما نباید رودربایستی می‌کردید. من که گفتم از روی منو انتخاب کنید. راست می‌گفت اشتباه از خودمان بود. نباید تصمیم خود را فدای میزبانی او می‌کردیم. او با میل ما مهمان کرده بود و ما باید با اختیار نظر خود را می‌گفتمیم و به خاطر مصلحت گروه، زیر بار چیزی که دوست نداشتیم نمی‌رفتیم.

■ **برای تصمیم خود در گروه احترام قائل شویم**  
چند نفر از ما خود را فدای مصلحت گروه می‌کنیم؟ چند نفر از ما می‌ترسیم که رد پیشنهاد گروه به ما آسیب بزند؟ ما هر روز در معرض تصمیم‌های بسیاری هستیم که بسیاری از آنها گروهی هستند. وقتی اعضای گروه با هم همفکر و نظر نیستند بنا به مصلحت تصمیمی می‌گیرند که اشتباه است و آسیب‌های جدی وارد می‌کند.

در شرایطی که هر کس باید نظر خودش را بیان کند هر فرد از زمن ساز مخالف در مقابل دیگران می‌ترسد و نظر واقعی‌اش را نمی‌گوید. نتیجه، تصویب تصمیمی

خیلی از مازبانی خصوصی داریم. کلماتی که مختص زندگی خانوادگی‌مان است. شاید پدر یا مادر تان در کودکی لقبی به شما داده باشند و حالا که بزرگ شده‌اید، همچنان آن را پدک بکشید. شاید شوخی قدیمی یا جاعی مشترک که ترانه‌ای داشته باشید. این واژگان، اسم‌هایی که عزیزان تان را با آن صدا می‌کنید مثل عزیزم، قشنگم و...، شوخی‌ها و تمایزهای شخصی (عقاید یا رفتارهای مشترک تان با رزوه‌ها) ابداعاتی‌اند که به خانه‌گوش یا فامیلکت معروفند و از دل زندگی در محیط نزدیک و صمیمی سر برمی‌آورند. در دوران کرونا، ما وقت بسیار بیشتری را در چنین محیط‌هایی می‌گذرانیم و لذا اصطلاحات درون گروهی‌مان نیز به تناسب تغییر کرده است.

سیتینا گوردن، دانشیار زبان شناسی در دانشگاه جورج تاون و نویسنده کتاب «معناسازی، خانواده‌آفرینی»، بخش زیادی از دوران حرف‌های‌اش را در حوزه گفتارهای خانوادگی سری کرده است. گوردن می‌گوید: «هر گروهی که اعضای برای مدت‌ها ارتباط گسترده‌ای با یکدیگر داشته باشند و خود را متمایز از دیگران ببینند، رفته‌رفته، زبان را به شکل‌های خاصی به کار می‌برند. گوش دادن به صداها ضبط‌شده از خانواده‌های دیگر مثل غرق شدن در دنیای متفاوت است.»

همه ما، بر حسب مخاطب و هدف گفت‌وگو، در شرایط مختلف به شکل‌های مختلفی صحبت می‌کنیم (که جای تعجب ندارد). یک روز سخن‌گفتن‌مان رسمی است و برای ارائه پروژه برای همکاران به کار می‌رود و روزی دیگر گفت‌وگوهای پیش پا افتاده در اولین قرار آشنایی؛ زبان ما همیشه بسته به شرایط و مخاطب تغییر می‌کند.

خانده‌گوشی‌ها بخشی از سیاق صمیمی زبان هستند، یعنی نحوه صحبت ما در «پشت‌صحنه» با صمیمی‌ترین افراد زندگی‌مان، خانه‌گوشی واقع زبان خودمانی خانه‌مان است و با آن می‌توانیم خوشترن غیر علنی خودمان را با تمام قربات‌هایش به نمایش بگذاریم. خانه‌گوشی‌ها از انواع و اقسام خانواده‌ها به وجود می‌آیند: بزرگ، کوچک، برگزیده یا، به قول یکی از دوستان، «فرنتیم» (mtnararou) گروهی از خانواده یا دوستان که هنگام قرنطینه همدیگر را می‌بینند، در حالی که از افراد دیگر دوری می‌کنند). به مرور زمان، این اصطلاحات ممکن است در محفل خودمانی‌مان جایفتند و ماندگار شوند.

چه چیزی الهامبخش زبان‌های خانوادگی می‌شود؟ به صورت کلی، سبوری کردن زمان کافی با یکدیگر و تجربیات مشترکی که در یک جمع واحد رخ می‌دهد. کودکان معمولاً معماران واژگان جدیدند،



«خانه‌گوشی‌ها» به ما احساس خانواده بودن می‌دهند. زبان خصوصی و درون‌گروهی‌حس صمیمیت را می‌پرورد و هویت ما را می‌سازد. در پژوهشی با موضوع استفاده از اصطلاحات نامعمول میان زن و شوهرها، پژوهشگران دریافته‌اند که زبان شخصی‌حس نزدیکی را به وجود می‌آورد و معمولاً در تلاش‌های مربوط به ارتباط یا آشنایی بروز می‌یابد

■ **تلخیص: حسین گل محمدی**

## گوش‌های من در آوردی خانگی صمیمیت می‌آورد

اگر به‌صورت اتفاقی شنونده صحبت‌هایی باشید که بین اعضای یک خانواده در جریان است، متوجه می‌شوید که از کلمه‌ها و تعبیراتی استفاده می‌کنند که هیچ تصویری از معنی‌شان ندارد. این کلمه‌ها، که به آنها «خانه‌گوش» می‌گویند، محصول زندگی طولانی مدت آدم‌ها کنار هم است. خیلی از آنها در واقع واژه‌های بی‌معنایی هستند که بچه‌های خانواده در کودکی ساخته‌اند یا حاصل اشتباهات بامزه‌ای‌اند که در طول آشنایی با خانواده ایجاد می‌کنند. تحقیقات جدید از نقش مهم این واژه‌ها در معنابخشی به خانواده می‌گویند.

به‌خصوص در دوران یادگیری زبان. در آزمون و خطاها و بازی‌های کودکان با صداها و معناها، واژه‌آزمایی‌های بامزشان گاهی سر زبان همه اعضای خانواده می‌افتد و گاهی حتی به‌عنوان میراث زبانی خانواده به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. بسیاری از اصطلاحات خانه‌گوشی نیز در مرحله ایجاد روابط صمیمی تازه تولید می‌شوند، یعنی دورانی که زن و شوهرها یا دوستان راهایی خصوصی برای ابراز محبت یا برقراری گفت‌وگوهای دشوار می‌آفرینند تا از مرز ناشفاف میان آشنایی و صمیمیت گذر کنند.

خانه‌گوشی‌ها به ما احساس خانواده‌حس می‌دهند. زبسان خصوصی و درون‌گروهی صمیمیت را می‌پرورد و هویت ما را می‌سازد. در پژوهشی با موضوع استفاده از اصطلاحات نامعمول میان زن و شوهرها، پژوهشگران دریافته‌اند که زبان شخصی‌حس نزدیکی را به وجود می‌آورد و معمولاً در تلاش‌های مربوط به ارتباط یا آشنایی بروز می‌یابد. خانواده‌ها وقتی از اصطلاحات خانه‌گوشی استفاده می‌کنند، داستان‌ها و مناسک و خاطراتی را تقویت می‌کنند که آنها را در قالب گروه به هم پیوند می‌دهد. گوردن می‌گوید: «هر بار که از اصطلاحی استفاده می‌کنند، به تمام موارد قبلی‌اش اشاره می‌کنند که از آن استفاده کرده‌اند. با این کار به نوعی «خانواده‌بودن‌شان» را تصدیق می‌کنند و رابطه‌شان را بازمی‌آفریند.»

البته زندگی خانگی‌مان در دوران همه‌گیری کرونا تغییر کرده است. از آنجا که زبان، رابط آشفته و سردمانی برای دوست‌یابی و برای ارائه پروژه برای همکاران به کار می‌رود و روزی دیگر گفت‌وگوهای پیش پا افتاده در اولین قرار آشنایی؛ زبان ما همیشه بسته به شرایط و مخاطب تغییر می‌کند.

خانده‌گوشی‌ها بخشی از سیاق صمیمی زبان هستند، یعنی نحوه صحبت ما در «پشت‌صحنه» با صمیمی‌ترین افراد زندگی‌مان، خانه‌گوشی واقع زبان خودمانی خانه‌مان است و با آن می‌توانیم خوشترن غیر علنی خودمان را با تمام قربات‌هایش به نمایش بگذاریم. خانه‌گوشی‌ها از انواع و اقسام خانواده‌ها به وجود می‌آیند: بزرگ، کوچک، برگزیده یا، به قول یکی از دوستان، «فرنتیم» (mutnararou) گروهی از خانواده یا دوستان که هنگام قرنطینه همدیگر را می‌بینند، در حالی که از افراد دیگر دوری می‌کنند). به مرور زمان، این اصطلاحات ممکن است در محفل خودمانی‌مان جایفتند و ماندگار شوند.

چه چیزی الهامبخش زبان‌های خانوادگی می‌شود؟ به صورت کلی، سبوری کردن زمان کافی با یکدیگر و تجربیات مشترکی که در یک جمع واحد رخ می‌دهد. کودکان معمولاً معماران واژگان جدیدند،

«خانه‌گوشی‌ها» به ما احساس خانواده بودن می‌دهند. زبان خصوصی و درون‌گروهی‌حس صمیمیت را می‌پرورد و هویت ما را می‌سازد. در پژوهشی با موضوع استفاده از اصطلاحات نامعمول میان زن و شوهرها، پژوهشگران دریافته‌اند که زبان شخصی‌حس نزدیکی را به وجود می‌آورد و معمولاً در تلاش‌های مربوط به ارتباط یا آشنایی بروز می‌یابد

نقل و تلخیص از: وب‌سایت ترجمان / نوشته: کاترین هایمز / ترجمه: علیرضا شفیعی‌نسب / مرجع: آتلانتیک